

جنابیت به خاطر گنج زیرخاکی

مرد جوان با ارسال پیامک فروش سنگ قیمتی که گنج زیرخاکی بود با اجیر کردن کارگرش، خریدار را کشت.

معامله مرموز

به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اوایل مهر ماه سال ۹۶ با شکایت یک زن آغاز شد. این زن که به پلیس آگاهی رفته بود از ناپدید شدن همسرش خبر داد و گفت: شوهر ۵۷ساله‌ام به نام محمود چند روز قبل درباره معامله سنگ‌های قیمتی با شخصی ناشناس، تلفنی گفت‌وگو کرد اما درباره معامله حرفی به من نزد. ۲ روز قبل محمود از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. در این مدت چندین بار با او تماس گرفتم اما شوهرم پاسخ نداد و گوشی موبایلش خاموش شد، می‌ترسم بلایی سرش آمده و ناپدید شدن همسرم با معامله سنگ‌های قیمتی ارتباط داشته باشد.

با این شکایت، مأموران در نخستین گام از تحقیقات به ردیابی گوشی موبایل محمود پرداختند و دریافتند گوشی او آخرین بار در محدوده پاکدشت آتن دهی داشته و سپس خاموش شده است.

مأموران به بررسی ریز مکالمات تلفنی مرد گمشده دست زدند و دریافتند وی از یک هفته قبل با مردی به نام امید تماس‌های تلفنی مکرری داشته است. بررسی آتن دهی گوشی موبایل امید نیز نشان می‌داد موبایل او نیز همان روز در پاکدشت آتن دهی داشته است. در حالی که فرضیه دست داشتن امید در ماجرای ناپدید شدن محمود قوت گرفته بود، امید بازداشت شد.

اعتراف به قتل

وی که سعی داشت خودش را بی‌اطلاع از ماجرای ناپدید شدن مرد گمشده نشان دهد وقتی در بن بست اطلاعاتی گرفتار شد لب به اعتراف گشود و پرده

از حقیقت برداشت.

وی گفت: ۲ هفته پیش پیامکی مبنی بر اینکه «من روستایی و بی‌سواد هستم و سنگی قیمتی پیدا کرده‌ام و می‌خواهم آن را بفروشم» برای چند نفر ارسال کردم. محمود تنها کسی بود که با من تماس گرفت. او گفت می‌خواهد سنگ را بخرد. ما چند بار با هم تلفنی صحبت کردیم و قرار شد ۳۵۰ میلیون تومان سنگ را به او بفروشم. ما با هم قرار گذاشتیم و من سنگ را که داخل جعبه‌ای چوبی قرار داده بودم به او دادم و ۳۵۰ میلیون تومان از او پول گرفتم. اما او روز بعد محمود در حالی عصبانی بود با من تماس گرفت و گفت سنگ قلابی بوده است. او می‌گفت سرش کلاه گذاشته‌ام، اما من به او توضیح دادم سنگ قیمتی است و حتی شناسنامه هم دارد. قرار شد در قرار ملاقات بعدی شناسنامه را به او بدهم.

وی ادامه داد: سنگ شناسنامه‌ای نداشت و من می‌ترسیدم محمود سراغم بیاید و پولش را پس بگیرد بنابراین نقشه قتل او را کشیدم؛ با کارگرم به نام وحید که می‌دانستم که نیاز مالی شدید دارد صحبت کردم و از او خواستم تا در ازای دریافت ۱۰۰ میلیون تومان محمود را بکشد و وحید هم پذیرفت. فردای آن روز مبلغ ۲ میلیون تومان به عنوان پیش‌پرداخت به وحید دادم و همراه او به محل ملاقات در پاکدشت رفتم. وحید در یک لحظه به محمود شلیک کرد و او را کشت و جسدش را همان جا دفن کرد.

با اظهارات این مرد، بقایای جسد کشف و وحید در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت از سوی امید برای جنایت اجیر شده بود.

به دنبال بازسازی صحنه جرم برای متهمان کفرخواست صادر و پرونده‌شان به شعبه دهم دادگاه کیفری

یک استان تهران فرستاده شد و آنها از خود دفاع کردند.

در دادگاه

در ابتدای جلسه، اولیای دم برای دو متهم درخواست قصاص مطرح کردند. سپس وحید در حالی که سرش را پایین انداخته بود روبه‌روی قضات ایستاد و گفت: من از خانواده محمود شرم‌منده هستم، حتی نمی‌توانم به آنها نگاه کنم. امید صاحبکارم بود و می‌دانست مشکل مالی دارم. او با وعده پرداخت ۱۰۰ میلیون تومان فریبم داد تا محمود را بکشم. من اصلاً محمود را نمی‌شناختم و هرگز او را ندیده بودم. صاحبکارم فقط ۲ میلیون تومان پول به من داد.

وی ادامه داد: هر بار برای گرفتن مابقی پول سراغ امید می‌رفتم بهانه می‌آورد و امروز و فردا می‌کرد تا اینکه دستگیر شدم. باور کنید اگر نیاز مالی نداشتم و خانواده‌ام با مشکل روبه‌رو نبودند فریب امید را نمی‌خوردم. من قتل را قبول دارم.

سپس امید روبه‌روی قضات ایستاد و منکر جرمش شد.

وی گفت: من قبلاً در پلیس آگاهی تحت فشار روانی به اجیر کردن وحید برای قتل اعتراف کرده بودم، اما حالا می‌گویم بی‌گناه هستم. من اصلاً در جریان قتل نبودم و وحید را هم اجیر نکردم. آن روز با محمود قرار گذاشتم تا شناسنامه سنگ را به او بدهم. شاکردم و وحید هم همراهم سر قرار آمد. اما یکباره محمود شروع به داد و فریاد کرد و وحید که عصبانی شده بود با شلیک گلوله او را کشت. من بی دلیل بازداشت شدم.

در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند و رأی صادر کنند.

لزم تصویب قوانین بازدارنده در معامله‌های سیاه

عبدالصمد خرمشاهی، وکیل پایه یک

دادگستری، درخصوص جرایمی که در جریان مبادله سنگ‌های قیمتی یا عتیقه‌های زیرخاکی رخ می‌دهد در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» گفت: پرونده‌هایی که در آن افراد به طمع یافتن گنج، سنگ قیمتی یا زیرخاکی به دام جانی یا جانانی می‌افتند کم نیست. پرونده‌هایی که در آن فردی با ارسال پیامک درخواست خرید گنج می‌کند. وی ادامه داد: بی‌شک ناآگاهی افراد از اینکه یافتن گنج یا معامله آن خود یک جرم محسوب می‌شود و مجازاتی سنگین در پی دارد می‌تواند در وقوع این جنایات‌ها اثرگذار باشد.

خرمشاهی گفت: هرگونه حفاری، خرید و فروش، تخریب و دستکاری، نقل و انتقال روی میراث فرهنگی، آثار باستانی، عتیقه‌های زیرخاکی یا سنگ‌های قیمتی به موجب موارد قانون مجازات اسلامی پیگرد کیفری دارد و طبق ماده ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی ممنوع است و مرتکبین به ۶ ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شوند. حفاری چنانچه در آثار فرهنگی تاریخی ثبت شده باشد مجرمان علاوه بر ضبط آلات و ادوات حفاری و جبران خسارت وارده به آثار به اشد مجازات نیز محکوم می‌شوند.

این وکیل دادگستری ادامه داد: اگرچه در قانون مجازات اسلامی چند ماده قانونی برای افرادی که مبادرت به خرید و فروش عتیقه، دقینه و میراث فرهنگی می‌کنند، اختصاص داده شده و مجازاتی از زندان تا جزای نقدی برای آنها تعیین شده است اما باز هم به‌رغم این قوانین به نظر می‌رسد مجازات‌های در نظر گرفته شده کارایی و مانع‌اند و در نظر می‌تواند که مقررات و مجازات‌های سنگین‌تری برای سودجویان در نظر گرفته شود تا کمتر شاهد پرونده‌های جنایی باشیم که در حاشیه معامله سنگ‌های قیمتی یا دقینه‌های زیرخاکی صورت می‌گیرد.

آمنه بهرامی در اسیدپاشی خواستگارش نابینا شد

۱۸ سال در تاریکی

آمنه بهرامی که ۱۸ سال قبل در حمله مرد اسیدپاش بیبناوی دو چشم خود را از دست داده بود، هنوز در پیج و خم مراجع قضایی برای رسیدن به دینه خود است.

به گزارش «ایران»، ۱۸ سال و چند ماه و چند روز! آمنه حساب دقیق تک به تک روزهای تاریکی زندگی خود را دارد.

هنوز هم وقتی از روز حادثه حرف می‌زند با جزئیات همه چیز را تعریف می‌کند: «زیر پل سیدخندان از جلوی یک گل فروشی رد شدم. آن طرف خیابان یک بوستان بود. حس کردم کسی می‌خواهد از پشت سرم عبور کند. خودم را کنار کشیدم که رد شود. ناگهان چشمم به چشمش افتاد. پوزخندی زد و قبیل از اینکه فرصت کنم جنب بخورم ظرف اسید را روی صورتم خالی کرد. جیب کشیدم و صورتم را با دست پوشاندم. گردنم به سمت پایین خم شده بود و سوزش

عجیبی داشتم. تصویر پاهایش در حالی که داشت فرار می‌کرد، آخرین تصویری بود که در زندگی‌ام دیدم. بعد از آن همه چیز تاریک شد تا همین الان!»

۱۲ تا ۱۳ سال ۸۳ حمله مرد اسیدپاشی به سمت دختری به نام آمنه بهرامی که آن زمان ۲۷ سال داشت سبب نابینا شدن هر دو چشم او شد و متهم بلافاصله شناسایی و دستگیر شد. با رأی صادر شده از سوی قضات دادگاه کیفری یک استان تهران متهم به قصاص عضو محکوم شد و درست زمانی که قرار بود آمنه چشم‌های متهم عبور کند، خودم را کنار کشیدم که رد شود. چشم‌های متهم گذشت کرد.

حالا ۱۲ سال از روزی که آمنه روشنی زندگی را دوباره به متهم ارزانی داشت می‌گذرد ولی این زن جوان که نیمی از زندگی‌اش را در تاریکی و حسرت دوباره دیدن سپری کرده عجبی داشتیم. تصویر پاهایش در حالی که داشت فرار می‌کرد، آخرین تصویری بود که در زندگی‌ام دیدم. بعد از آن همه چیز تاریک شد تا همین الان!»

آمنه انگار در هر لحظه هزار بار سرمی‌خورد به خاطرات گذشته‌اش. به روزهای قبل از حادثه و قبل‌تر و بعدتر. انگار این فاجعه زندگی آمنه را به دو نیم قسمت کرد. خودش می‌گوید زندگی‌اش نابود شده است. در ادامه این گزارش گفت‌وگو خبرنگار ما با آمنه بهرامی را بخوانید.

پشیمانم که بخشیدم!

آمنه را خیلی‌ها می‌شناسند. برای کسانی که امروز با تو آشنا می‌شوند خودت را معرفی کن.

من آمنه بهرامی هستم. متولد سال ۵۶. دانشجوی الکترونیک بودم که این حادثه رخ داد.

متهم را چند وقت بود می‌شناختم؟ راستش شناخت خیلی درست و حسابی از او نداشتم. ۵ سال از من کوچکتر بود و ترم‌های آخر که بودم تازه وارد دانشگاه ما شده بود. یک بار در دانشگاه به من تته‌تذ و خیلی عصبانی شدم. برای همین با او بحث شد. جز این دیگر برخوردی با او نداشتم.



است، هنوز در راهروهای مراجع قضایی پرسه می‌زند تا بتواند دینه خود را بگیرد. آمنه بهرامی صبح روز گذشته بار دیگر در دادسرای جنایی تهران حاضر شد و در مورد دلیل حضورش به خبرنگار ما گفت: «روز اجرای حکم زمانی که تصمیم گرفتم از قصاص چشم‌های متهم گذشت کنم، در برکه رضایت‌نامه نوشتم؛ بخشیدم!»

بخشش کامل خود را در مورد چشم‌های من کتم اما درخواست دینه کامل اعضای از دست‌رفته را دارم. همین نوشته ۱۲ سال است که من را برای گرفتن دیه‌ام سردرگم کرده است. حرف من این بود که از قصاص عضو گذشت می‌کنم اما اشاره جمله دوم به تقاضای دینه مورد توجه نبوده است. در این سال‌ها ۵۵ میلیون تومان دریافت کرده‌ام که بابت غرامت هزینه جراحی‌هایم بود. پول را هم مردم در کمک به منم پرداخت کردند که به من داده شد. اما این مبلغ در ازای دینه من نبود و برای تأمین هزینه‌های سنگین جراحی‌هایی بود که به من تحمیل شد. در سال ۹۰ منم پرونده به پرداخت ۲۰۰ میلیون تومان دینه محکوم شد و من بابت این مبلغ و دینه چشم‌هایم هنوز درگیر دریافت نکرده‌ام. برای همین امروز به دادسرا آمدم تا تقاضای رسیدگی مجدد به پرونده را داشته باشم.»

آمنه انگار در هر لحظه هزار بار سرمی‌خورد به خاطرات گذشته‌اش. به روزهای قبل از حادثه و قبل‌تر و بعدتر. انگار این فاجعه زندگی آمنه را به دو نیم قسمت کرد. خودش می‌گوید زندگی‌اش نابود شده است. در ادامه این گزارش گفت‌وگو خبرنگار ما با آمنه بهرامی را بخوانید.

پشیمانم که بخشیدم!

آمنه را خیلی‌ها می‌شناسند. برای کسانی که امروز با تو آشنا می‌شوند خودت را معرفی کن.

من آمنه بهرامی هستم. متولد سال ۵۶. دانشجوی الکترونیک بودم که این حادثه رخ داد.

متهم را چند وقت بود می‌شناختم؟ راستش شناخت خیلی درست و حسابی از او نداشتم. ۵ سال از من کوچکتر بود و ترم‌های آخر که بودم تازه وارد دانشگاه ما شده بود. یک بار در دانشگاه به من تته‌تذ و خیلی عصبانی شدم. برای همین با او بحث شد. جز این دیگر برخوردی با او نداشتم.

پشیمانم که بخشیدم!

آمنه را خیلی‌ها می‌شناسند. برای کسانی که امروز با تو آشنا می‌شوند خودت را معرفی کن.

من آمنه بهرامی هستم. متولد سال ۵۶. دانشجوی الکترونیک بودم که این حادثه رخ داد.

متهم را چند وقت بود می‌شناختم؟ راستش شناخت خیلی درست و حسابی از او نداشتم. ۵ سال از من کوچکتر بود و ترم‌های آخر که بودم تازه وارد دانشگاه ما شده بود. یک بار در دانشگاه به من تته‌تذ و خیلی عصبانی شدم. برای همین با او بحث شد. جز این دیگر برخوردی با او نداشتم.

حوادث ویژه

سقوط مرگبار دختر جوان تهرانی از پنجره اتاقش

دختر جوان با سقوط از پنجره اتاقش به زندگی خود پایان داد. به گزارش «ایران»، عصر روز جمعه ۲۹ اردیبهشت امسال رسیدگی به مرگ هولناک دختر جوان ۲۵ ساله در دستور کار امیرحسین علی‌مردان بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت. بررسی‌های ابتدایی حکایت از این داشت که دختر جوان با پریدن از پنجره اتاقش واقع در طبقه چهارم یک ساختمان در جنت‌آباد به زندگی خود پایان داده است. این دختر جوان سابقه اختلالات روحی و مشکلات خلقی داشته و با پدر و مادرش زندگی می‌کرد. روز حادثه پدر و مادرش هم در خانه بودند که او به اتاقش رفته و در راه بسته بود سپس خودش را از پنجره پرت کرد. رسیدگی به پرونده مرگ این دختر در شعبه دهم دادسرای جنایی تهران در جریان رسیدگی قرار دارد.



مرگ آتشین مادر و ۳ کودکش در آتش سوزی خانه همسایه

زن اهوازی و ۳ فرزندش در جریان آتش گرفتن خانه همسایه شان جان خود را از دست دادند. به گزارش «ایران»، یک روز مطبوع بهاری که هوای خنک، هنوز در اهواز پرتلاطم رمق داشت، فاجعه در خانه آقای اصلاقی خرید. درست در لحظه ای که فارغ از دغدغه دنیا در زندگی روزمره فرو رفته بودند، یک حادثه هولناک بر سر آنها آوار شد. زبانه‌های آتش از خانه همسایه طبقه سوم آقای اصلاقی واقع در خیابان شیراز محله گلستان اهواز زبانه می‌کشید اما همسایه در خانه نبود. از راه رسیدند و آتش را خاموش کردند اما حادثه هولناکی در این میان برای خانواده اصلاقی رقم خورده بود که ساکن طبقه هفتم همان ساختمان بودند. امیرمحمودی یکی دیگر از همسایه‌های این ساختمان در گفت‌وگو با خبرنگار ما در تشریح حادثه می‌گوید: «من در لحظه حادثه در خانه نبودم و مأموریت بودم اما خانواده‌ام در خانه بودند. آپارتمان ما ۷ طبقه تک واحدی است که هر واحد به ۱۵۰ متر مساحت دارد. حادثه آتش سوزی از طبقه سوم شروع شد بود که در لحظه حادثه، صاحبخانه در خانه‌اش نبود. آن روز آتش سریع خاموش شده بود اما برق و دودگرفتگی در طبقه هفتم خیلی زیاد بود. اهالی طبقه هفتم یعنی خانواده اصلاقی به راه پله آمده بودند اما حس دود دود شده در راه پله‌های منتهی به پشت بام خیلی زیاد بود و ۳ فرزند آقای اصلاقی دچار خفگی شدند. مادر و همسایه‌ها حکایت از آن دارد که مادر بچه‌ها نیز بعد از انتقال به بیمارستان منتقل شدند.» علت این آتش سوزی هنوز مشخص نیست و احتمال اولیه امدادگران بر این فرضیه استوار است که تحقیقات برای دستگیری مرد جوان ادامه داشت و تیم پلیسی بی‌برنده که عامل جنایت به پاکدشت فرار کرده است اما زمانی که مأموران در مسیر بودند، در جریان قتل زن جوان دیگری به دست قاتل فراری قرار گرفتند و مأموران با حضور در صحنه جرم پی بردند که زن جوان دوست همسر قاتل بوده است.

شلیک به قاتل

۲ زن در ورامین

عامل جنایت مسلحانه علیه ۲ زن در ورامین و پاکدشت پس از ۳ روز با شلیک پلیس به کام مرگ فرورفت. به گزارش «ایران»، ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه سال جاری زن جوانی که به خاطر اختلافات خانوادگی و کتک خوردن و توهین توسط تک واحدی، تصمیم به طلاق گرفته بود، برای جدایی به دادسرای ورامین مراجعه می‌کند اما پس از خارج شدن از دادسرا، شوهرش در برابرش ظاهر شده و سارویوی یک جنایت رقم می‌خورد.

مرد جوان که اهل کشور افغانستان است با تفنگی که در دست داشته، زنی را در نزدیکی دادسرا و مقابل اداره برق ورامین هدف گلوله مرگبار قرار می‌دهد و به سرعت از صحنه فراری می‌کند.

بدین ترتیب تیم‌های پلیسی برای بررسی موضوع در محل حاضر می‌شوند و با توجه به تأیید مرگ زن، ۲۰ ساله توسط تیم پزشکی حاضر در محل، بازپرس دستور دستگیری عامل این جنایت مسلحانه را صادر کرد. بررسی‌ها نشان از آن داشت که زن جوان بارها به خاطر کتک کاری و درگیری‌های شوهرش، به کلانتری مراجعه و از همسرش شکایت کرده است و روز دادگاه زن جوان دیگری که از دوستان قربانی جنایت بوده، به عنوان شاهد به دادسرا مراجعه کرده است.

تحقیقات برای دستگیری مرد جوان ادامه داشت و تیم پلیسی بی‌برنده که عامل جنایت به پاکدشت فرار کرده است اما زمانی که مأموران در مسیر بودند، در جریان قتل زن جوان دیگری به دست قاتل فراری قرار گرفتند و مأموران با حضور در صحنه جرم پی بردند که زن جوان دوست همسر قاتل بوده است.

قتل زن جوان در پاکدشت

مأموران در ادامه تحقیقات پی بردند که دومین قربانی این قاتل مسلح که زن ۲۰ ساله‌ای است به خاطر اینکه روز دادگاه به عنوان شاهد در دادسرا حضور داشته، توسط مرد جوان به قتل رسیده است.

ردیابی‌های پلیسی برای دستگیری عامل این جنایت ادامه داشت و مأموران با اقدامات فنی و پلیسی موفق به شناسایی مخفیگاه قاتل مسلح در یک کارگاه متروکه در منطقه پاکدشت شدند.

مأموران با توجه به اینکه قاتل مسلح بوده و احتمال تیراندازی وجود داشت، ابتدا مخفیگاه او را تحت محاصره قرار دادند که در این لحظه عامل جنایت متوجه حضور مأموران شده و بی‌درنگ شروع به تیراندازی به سمت پلیس می‌کند. با این اقدام، مأموران ابتدا هشدارهای لازم را به قاتل داده و از وی خواستند با توجه به تحت محاصره بودنش تسلیم مأموران شود اما بی‌فایده بود و مأموران برای پایان دادن به تیراندازی‌ها، شروع به شلیک کردند که پس از دقایقی که درگیری مسلحانه بین قاتل ۳۰ ساله و مأموران ادامه داشت، عامل جنایت با شلیک پلیس زمینگیر شد. تیم پلیسی پس از پایان یافتن شلیک‌های قاتل جوان به سراغ وی رفته و با جسد این مرد که غرق خون روی زمین افتاده بود، روبه‌رو شدند.

